

گسترش فساد اداری در نبود سازمان برنامه

ادامه از صفحه ۷
رفاه اجتماعی یعنی چه؟
تا آنجایی که نگارنده اطلاع دارد نظام بودجه‌نویسی دولت در حال حاضر مبتنی بر بودجه‌ریزی عملیاتی است هرچند به نظر می‌رسد این روش بودجه‌نویسی در تمام دستگاه‌ها به‌طور کامل و دقیق به کار گرفته نمی‌شود. کاربرد صحیح این روش بودجه‌نویسی در چارچوب برنامه‌های توسعه میان‌مدت و تلفیق آن با روش‌های بودجه‌نویسی مبتنی بر عملکرد و نتیجه که عاصری از آینده‌نگری را در بودجه‌نویسی وارد می‌کند، می‌تواند روش مناسبی برای بودجه‌ریزی در ایران باشد. به‌خصوص در بودجه‌های عمرانی، می‌توان اصلاحات قابل‌توجهی انجام داد همان‌طور که به اختصار اشاره خواهد شد. ما در اینجا کلیات یک رویکرد اصولی بر بودجه‌ریزی بخش عمومی را مطرح می‌کنیم که ضمن تکیه بر دیدگاه اقتصادی که در ابتدای مقاله به آن اشاره شد مبتنی بر تجربیات بین‌المللی بودجه‌نویسی و ادبیات مالیه دولت بوده و استفاده از آن می‌تواند نظام بودجه‌ریزی کشور را بهبود بخشد. هدف از اتخاذ این رویکرد

بهبود تخصیص منابع دولت در فعالیتهای جاری و پروژه‌های عمرانی است. یک تخصیص بهینه منابع بخش عمومی مترادف با آن است که رفاه اجتماعی حاصل از تخصیص یک واحد پهای منابع مالی دولت در همه بخش‌ها با هم برابر باشد. به عبارت دیگر رفاه اجتماعی حاصل از تخصیص ریال نهایی بودجه در آموزش و پرورش با رفاه اجتماعی حاصل از تخصیص یک ریال در بهداشت و درمان و در بخش دفاع و در سایر بخش‌ها با هم برابر باشد. این یک شاخص کلی است و هم به بودجه جاری و بودجه عمرانی اطلاق می‌شود و موفقیت در تنظیم چنان بودجه‌ای علاوه بر تخصیص بهینه منابع مالی دولت به وضوح مساله رعایت عدالت در تخصیص بودجه دولت را هم حل می‌کند.

با همه جذابیتی که این بودجه نظری ممکن است داشته باشد اما می‌دانیم که تنظیم چنان بودجه‌ای برای بخش عمومی در عمل غیرممکن است. شاخص‌های عملکرد بسیاری از بخش‌های اجتماعی و عمومی کیفی است و تبدیل آنها به شاخص‌های کمی و مقایسه آن شاخص‌ها دشوار است؛ هرچند در کشور، برای توسعه‌یافته مطالعات زیادی در این مورد شده و پیشرفت‌های قابل‌توجهی در اندازه‌گیری عملکرد بخش‌های مختلف اجتماعی به دست آمده است، اما هنوز نمی‌توان مساله بودجه عمومی کشور را به صورت یک مساله بهینه‌سازی ریاضی طرح کرد و با حل آن به تخصیص بودجه به بخش‌های مختلف برای حداکثرکردن یک تابع رفاه اجتماعی رسید. هدف ما نیز در اینجا نه توصیه غیرعملی برای تنظیم بودجه عمومی بلکه استفاده از مفهوم بهینگی در تنظیم بودجه بخش عمومی است.
حال مساله بهینه‌گر بودجه عمومی به صورت یک مساله ریاضی اگر امکان‌پذیر بود این نتیجه را در بر می‌داشت که بهترین تخصیص منابع بودجه در میان تخصیص‌های ممکن جایگزین را به دست می‌داد. حال اگر در تنظیم عملی بودجه بخش عمومی اصولی را در نظر بگیریم که اطمینان داشته باشیم با رعایت آن اصول بهترین تخصیص ممکن منابع بخش عمومی به دست می‌آید طبعاً این بودجه عملی یک تخصیص بهینه منابع مالی بخش عمومی هرچند نه به مفهوم اکید ریاضی خواهد بود.

موضع چه دولت‌هایی قابل دفاع نیست؟

در ادبیات مالیه بخش عمومی و مدیریت مخارج دولت رعایت سه اصل زیر شرط لازم برای تنظیم یک بودجه مطلوب بخش عمومی است:

– رعایت انضباط مالی در سطح کلان به مفهوم احتراز از کسری بودجه در میان‌مدت (۱)

– تخصیص منابع بر اساس اولویت‌های راهبردی (۲)

– تخصیص کارآمد و موثر بودجه در اعمال اولویت‌های راهبردی (۳)

ما در اینجا وارد بحث مشروعیت بودجه، به مفهوم کلی امکان نظارت و کنترل جامعه بر تنظیم و اجرای بودجه بخش عمومی که اصلی بنیادی در تنظیم و اجرای بودجه بخش عمومی در جوامع توسعه‌یافته بوده و اصول سه‌گانه بالا در واقع بر آن اصل بنامی شوند، نمی‌شویم زیرا بحثی مفصل در حیطه اقتصاد سیاسی مالیه دولت است و طبعاً در این مختصر نمی‌گنجد. به‌طور کلی از آنجا که هدف از تخصیص منابع بخش عمومی دولت افزایش رفاه جامعه به بیشترین میزان ممکن است فرض بر آن است که جامعه مثلاً از طریق نمایندگان خود تخصیص منابع عمومی به فعالیت‌های مختلف بخش دولتی را نظارت و تایید می‌کند و اگر این فرض صادق نباشد، طبعاً بحث در بودجه مطلوبی که رفاه اجتماعی را مشروط به محدودیت‌های موجود پیشینه کند موضوعیت نخواهد داشت. میزان موفقیت در رعایت اصول فوق بستگی به تر تریات و توانمندی نهادهای اقتصاد در سطوح مختلف و عزم سیاستگذاران بر رعایت این اصول در تنظیم و



اجرای بودجه‌های دولت دارد. ضرورت رعایت این اصول در بودجه‌نویسی بخش عمومی با ادبیات گسترده‌ای که در این زمینه وجود دارد توضیح واضحات است و اشارای مختصر در این موارد کفایت می‌کند. رعایت انضباط مالی در سطح کلان یا توجه به تأثیری که نادیده‌گرفتن این اصل در بحران اقتصادی برخی از کشورهای اروپایی داشت هم‌اکنون بیش از گذشته مورد تأکید است. نقش مرکزی انضباط مالی در رشد مستمر بلند کشورها اکنون به خوبی آشکار شده است و موضع دولت‌هایی که این اصل را در تنظیم و اجرای بودجه بخش عمومی رعایت نمی‌کنند در هیچ‌جا قابل دفاع نیست. از سوی دیگر ضرورت تخصیص منابع بر اولویت‌های راهبردی نیز بدیهی است.

جامعه می‌خواهد مطمئن شود

همان‌طور که در سطح خرد، چه مصرف‌کننده و چه تولیدکننده، منابع خود را در مواردی صرف می‌کنند که بیشترین مطلوبیت یا بازدهی را برای آنها داشته باشد در سطح کلان نیز جامعه ناگزیر از تخصیص منابع خود به مهم‌ترین نیازهای خود است که در اولویت‌های راهبردی منعکس می‌شود. نهایتاً تخصیص کارآمد و موثر به اولویت‌های راهبردی است که بودجه و برنامه توسعه میان‌مدت را به هم مرتبط و اهداف برنامه را محقق می‌کند. ادبیات بسیار وسیعی از ترکیب دیدگاه‌های اقتصادی و مدیریتی در تخصیص بهینه منابع در سطح

سازمان برنامه‌وبودجه می‌تواند با اتخاذ روش‌های پیشرفته ارزیابی پروژه‌های عمرانی و طرح‌های سرمایه‌گذاری، اختلاف‌نظر در اولویت بودجه‌های عمرانی را کاهش داده و حداقل موضع گیری سازمان برنامه‌وبودجه در مورد طرح‌های پیشنهادی عمرانی را با استاندارد از زیبایی پروژه پشتیبانی و خدشه‌ناپذیر کند

فعالیت بخش‌های عمومی اعم از بخش‌های اجتماعی، زیربنایی و … ایجاد شده است که همان‌طور که اشاره شد کمی کردن شاخص‌های عملکرد و استفاده از ملل‌های کمی در متن آن قرار دارد. در بودجه‌های جاری این مهم با تنظیم بودجه‌ها بر مبنای عملکرد و نتیجه که تلفیقی از گذشته تخصیص منابع در یک فعالیت مشخص و پیش‌بینی نتایج احتمالی آن در آینده است انجام می‌شود و اجرای این شیوه، تقریق بودجه و قضاوت در نحوه تخصیص و مدیریت منابع را تسهیل می‌کند. در بودجه‌های عمرانی به خصوص طرح‌ها و پروژه‌های بزرگ سرمایه‌گذاری این کاربرد روش‌ها و مدل‌های ارزیابی پروژه‌های سرمایه‌گذاری است که می‌تواند جامعه را از تخصیص بهینه منابع خود در طرح‌های عمرانی مختلف مطمئن کند.

اختلاف‌نظرهایی که باعث انحلال شد

بخش قابل‌توجهی از بودجه دولت‌ها صرف سرمایه‌گذاری برای ایجاد ظرفیت‌های تولید کالاها و خدمات در بخش‌های اجتماعی، زیربنایی و سایر بخش‌ها می‌شود و با توجه به محدودیت منابع و تخصیص بهینه منابع بخش عمومی ضرورتاً مستلزم سرمایه‌گذاری در پربازده‌ترین پروژه‌های عمرانی است. مطالعات کارشناسی برای تصمیم‌گیری در شمول یک پروژه مشخص در بودجه عمرانی بخش‌های مختلف، همواره از اهمیت زیادی در سازمان برنامه‌وبودجه برخوردار بوده است و در موارد بسیاری با توجه به ماهیت موضوع، اختلاف‌نظر بین کارشناسان سازمان برنامه‌وبودجه و کارشناسان و مدیران دستگاه‌های

اقتصاد

گسترش فساد اداری در نبود سازمان برنامه

اجرابی بر سر اجرا یا عدم اجرای پروژه‌های مشخص یا اولویت این پروژه‌ها در مقایسه با پروژه‌های دیگر در همان بخش و یا در سایر بخش‌ها وجود داشته است. نگارنده، خود در طول خدمت در سازمان برنامه‌وبودجه شاهد موارد متعددی از همین اختلاف‌نظرها درخصوص شمول پروژه‌های عمرانی در برنامه‌های توسعه و بودجه‌های سالانه بخش‌های مختلف بین کارشناسان سازمان برنامه‌وبودجه و کارشناسان و مدیران دستگاه‌های اجرایی و حتی نمایندگان مجلس، که اجرای طرح عمرانی به‌خصوصی را برای حوزه انتخابی خود مهم می‌دانسته‌اند، بوده است. چه‌جا همان‌طور که اشاره شد، این اختلاف‌نظرها نیز در انحلال سازمان برنامه‌وبودجه بی تأثیر نبوده است. همان‌طور که گفته شد ماهیت تخصیص منابع بخش عمومی امری سیاسی است و از آنجا که گروه‌های مختلف مدیران عالی همواره تلاش می‌کنند منابع بیشتری را صرف برنامه‌هایی کنند که از نظر آنها اولویت دارد و منابع عمومی هم در هر حال محدود است، در نتیجه نمی‌توان این اختلاف‌نظرها را به‌کلی از بین برد.

قضاوت در پروژه‌ها باید چگونه باشد

در هر حال سازمان برنامه‌وبودجه می‌تواند با اتخاذ روش‌های پیشرفته ارزیابی پروژه‌های عمرانی و طرح‌های سرمایه‌گذاری، اختلاف‌نظر در اولویت بودجه‌های عمرانی را کاهش داده و حداقل موضع‌گیری سازمان برنامه‌وبودجه در مورد طرح‌های پیشنهادی عمرانی را با استناد به نتیجه کاربرد روش‌های پیشرفته و استاندارد ارزیابی پروژه پشتیبانی و خدشه‌ناپذیر کند. هم‌اکنون مطابق دستورالعمل‌های سازمان‌های اقتصادی بین‌المللی و سازمان ملل ارزیابی پروژه‌های عمرانی با شیوه‌های استاندارد و نرم‌افزارهای قدرتمند انجام می‌شود که قضاوت و تصمیم‌گیری در انتخاب پروژه‌های سرمایه‌گذاری را آسان‌تر می‌کند. نکته‌ای که توجه به آن در اینجا ضروری است آن است که طرح‌ها و پروژه‌های عمرانی بخش عمومی به‌خطر ماهیت خدمات این بخش، نباید صرفاً براساس ارزیابی متعارف پروژه‌های عمرانی قضاوت شوند. منظور از ارزیابی متعارف پروژه‌های عمرانی و سرمایه‌گذاری، ارزیابی مالی یا به اصطلاح، ارزیابی براساس جریان نقدی است. این ارزیابی صرفاً براساس قیمت‌های مشاهده‌شده در اقتصاد محاسبه می‌شود و قیمت‌های سایه یا هزینه فرصت استفاده از منابع را در نظر نمی‌گیرد. بنابراین لازم است، مخصوصاً برای پروژه‌های بزرگ، در کنار ارزیابی مالی، ارزیابی اقتصادی – اجتماعی نیز انجام شود که تصمیم‌گیری در مورد پروژه‌های عمرانی را به مراتب آسان‌تر می‌کند.

ارزیابی اقتصادی – اجتماعی پروژه‌ها می‌تواند مسایل محیط‌زیست را هم در محاسبه کرده و هزینه – فایده انجام پروژه موردنظر را لحاظ محیط‌زیست را هم روشن کند. دستورالعمل‌های مشخصی برای محاسبه قیمت‌های سایه و هزینه فرصت منابع در پروژه‌ها وجود دارد که ادبیات مربوطه موردبحث قرار گرفته و در این مختصر نمی‌توان به جزئیات آن پرداخت.

خدمات سازمان برنامه به دولت آینده

به‌طور خلاصه انجام مطالعات و رایه تحلیل‌ها و توصیه‌های سیاستی مربوط به مدیریت تقاضای کل یا ثبات‌سازی اقتصادی، بررسی‌ها و پیشنهاد سیاست‌های مربوط به مالیات‌ها و اعطای یارانه‌ها و توزیع عادلانه‌تر درآمد‌ها در سطح خائوارها و مناطق کشور، اتخاذ بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد و نتیجه در تنظیم بودجه جاری دستگاه‌ا و انجام ارزیابی‌های اقتصادی – اجتماعی در کنار ارزیابی‌های مالی برای طرح‌های عمرانی وظایفی است که یک سازمان برنامه‌وبودجه مدرن و توانمند می‌تواند به عهده بگیرد. احیای سازمان برنامه‌وبودجه با تر تبیین که به‌طور خلاصه بحث شد می‌تواند خدمات ارزنده‌ای به دولت و کمک موثری به رشد و توسعه اقتصادی کشور کند. در هر حال واقعیتی حکم می‌کند ارتقای توان کارشناسی دولت در زمینه‌هایی که مورد بحث قرار گرفت حتی در صورتی که تصمیمی برای احیای سازمان برنامه‌وبودجه گرفته نشود مورد توجه و اهتمام قرار گیرد هرچند این امر با احیای سازمان برنامه‌وبودجه می‌تواند به صورت سازمان‌یافته‌تر و موثرتر انجام شود. نگارنده باید دارد که کارشناسان و مدیران دستگاه‌های دولتی، از جمله سازمان‌هایی که پس از انحلال سازمان برنامه منصدی وظایف آن سازمان شدند کارشناسان و مدیران توانمندند و شایسته‌ای هستند که در فرآیند گزینش و کارآموزی و تجربه‌اندوزی قابل‌توجهی عبور کرده به این مراحل رسیدهند اما نباید فراموش کرد که رایه خدمات کارشناسی در نقش‌هایی که برای یک سازمان برنامه‌وبودجه مدرن بر شمرده شد آن هم در سطح قابل مقایسه و قبول سازمان‌های بین‌المللی که برای ایران امروز و آینده لازم است نیازمند از تقای توان کارشناسی در همه زمینه‌های یادشده است و این مهم نیز با اجرای برنامه‌های حساب‌شده، ارتقای توان کارشناسی و مداومت و پیگیری آنها قابل دستیابی است.

اتهام «غربی» بودن ظلم

بزرگی به سازمان برنامه بود

به هر حال خزانه کشور امروز خالی است و بهترین تمرین برای کارآمدی دولت دکتر روحانی می‌تواند زورآزمایی خردمندانه با بودجه ۹۲ باشد و اما پاسخ سوال شما یا همان جالش و موضوع سومی که باید جزو طبقه‌بندی دولت قرار گیرد. سومین چالش دولت یازدهم هدفمندی یارانه‌هاست که براساس برنامه‌های غیراقتصادی شکل گرفته است. توجه داشته باشید در سطوح بالایی کشور تمامی مسوولان و مقامات دغدغه هدفمندی داشتند و این به دلیل حفظ منابع طبیعی و ثروت‌های بین نسلی بود. اما متأسفانه اهداف اولیه هدفمندی در طول اجرا فراموش شد و با اجرای سلیقه‌ای دولت بودجه به‌سرعت در حال کاهش است و متعاقب آن، کیفیت و کمیت خدمات دولت به ضعف می‌گراید. چگونگی مواجهه با این مشکل که خود را در کسری بزرگ بودجه نمایان ساخته، بر شرایط آینده اقتصاد کشور اثر تعیین‌کننده خواهد داشت. از سوی دیگر سیستم بانکی با عدم تعادل هشتاددهنده مواجه است که به‌وسیله خلق پول از طریق بانک مرکزی پوشانیده می‌شود. هزینه این عدم تعادل را عمدتاً خانوارهای کمرآمد از طریق تأثیرپذیری از تورم بالا می‌پردازند. مجموعه عدم‌تعادل‌ها در شرایطی به اوج خود رسیده‌است که از یک‌طرف فشارهای بین‌المللی بسیار سنگین شده و از طرف دیگر، هر روز به زمانی که خیل عظیم متولدان دهه ۶۰ وارد بازار کار شوند نزدیک‌تری می‌شویم. مدیریت عدم‌تعادل‌های بزرگ ذکر شده و حرکت در جهت رفع این عدم‌تعادل‌ها از طریق انتخاب درست «پولی» اصلاحات از یک‌طرف و «بعاد و درجه بزرگی» اصلاحات از طرف دیگر بسیار کلیدی است.

حرکت به سمت ارتقای جایگاه سازمان برنامه

سوم سال آن است که چه سازمان یا نهاد و یا چه میزان از توانمندی و چگونگی خواهد توانست «مجموعه» این تحولات را مدیریت کند؟ با توجه به ارتباط ذاتی میان اجزای مختلف اقتصاد، انجام موفقیت‌آمیز تحولات ذکرشده نیازمند آن است که به «سیستم» اصلاحات پرداخته شود و نه به یک‌یک آنها به‌طور مجزا. اگر فرضیه‌ای را که نگارنده در مورد تأثیر چگونگی وضعیت منابع بر سبک مدیریتی رئیس دولت و از آن طریق بر جایگاه سازمان برنامه و بودجه مطرح کرد را بپذیریم، باید انتظار داشته باشیم که به سمت دوران ارتقای این جایگاه حرکت می‌کنیم. مجموعه شرایط جاری اقتصاد کشور اقتضا می‌کند که سازمان برنامه و بودجه به جایگاه قبلی خود بر گردد و برنامه‌ای واقع‌بینانه برای بازسازی آن تهیه شود. این بازسازی هرچند اجتناب‌ناپذیر، اما زمان‌بر خواهد بود، بنابراین می‌توان انتظار داشت که آثار ملموس ارتقای جایگاه سازمان، عمدتاً در سال‌های نیمه دوم دهه ۹۰ نمایان شود. زمانی که شاید برای عبور از بحران‌های میان‌مدت پیش‌رو، کمی دیر باشد! بنابراین به‌نظر می‌رسد لازم است، سازمان برنامه و بودجه، به‌عوامل ارتعاج اصلاحات درونی و بازسازی منابع انسانی خود، اقدام به تشکیل یک یا چند اتاق فکر (بر حسب نخله‌های مختلف فکری) کند و از آنان برای چگونگی مواجهه با مشکلات میان‌مدت کشور راحل مشخص و عملی بخواهد و در ادامه این مسیر، یک شورای مشورتی متشکل از تعدادی اقتصاددان و مدیران باتجربه که به وسیله رئیس‌جمهور انتخاب می‌شوند، مجموعه راحل‌های آرایه شده را بررسی کرده و به شورای اقتصاد پیشنهاد کنند. سازکار پیشنهادی ضمن آنکه می‌تواند موقتا به کمک سازمان برنامه و بودجه و نظام تصمیم‌گیری بیابید، موقعیت مناسبی را نیز برای همگرایی و نزدیک‌ترشدن دیدگاه‌ها به هم‌بوجود خواهد آورد و از سوی دیگر، عرصه‌های جدیدی را برای رشد اقتصاددان جوان فراهم خواهد کرد. مزیت دیگر این پیشنهاد آن است که سازمان برنامه و بودجه در شکل جدید نهایی خود، ارتباطی سازمان‌یافته با دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی خواهد داشت که دستاوردی بسیار ارزنده خواهد بود. به هر حال به‌نظر می‌رسد که دهه ۹۰ و به‌ویژه سال‌های میانی آن، برای اقتصاد ایران تعیین‌کننده خواهد بود. عمق و ابعاد مشکلات موجود و پیش‌رو، هیچ تناسبی با توان سازمان‌های رسمی مسوول حل این مشکلات ندارد. سایه شرایطی را که پشت سر گذشت‌هایم تا سالان دراز، اقتصاد و سیاست کشور را تحت تأثیر قرار خواهد داد. راحل‌های میان‌بر به صورتی که متضمن بهره‌گیری از همه ظرفیتهای فکری و تخصصی کشور باشد اجتناب‌ناپذیر است. ماشین سیاستگذاری را باید در حین حرکت تعمیر کرد.

ادامه از صفحه ۷

دهه سرنوشت‌ساز «۹۰» برای اقتصاد ایران

هرگاه کشور و دولت با کمبود منابع مواجه بدهاند سازمان برنامه قدرت گرفته و هنگام وفور، جایگاه سازمان تصفیه شده است. از آنجا که درآمدهای نفتی در نیمه دوم دهه ۸۰ در اوج تاریخی خود قرار گرفت، سازمان برنامه حضیض نقش خود را در این دوران تجربه کرد. نیروهای کارشناسی و مدیریتی آن، گروهی بازنشسته خصوصی مشغول به کار شدند. اعتمادابه‌فنس سازمان گرفته شد و نهایتاً، نهادهای که دورانی را در اوج قدرت گذرانیده بود به دستگاہی با حداقل قدرت تبدیل شد. اینک کشور با کاهش شدید درآمدهای نفتی و محدودشدن در گردش مالی بین‌المللی، در شرایطی ویژه قرار گرفته است. عدم تعادل‌های متعدد در بازارهای ارز، انرژی، سیستم بانکی و بودجه دولت، اقتصاد را در موقعیتی قرار داده که مجالی برای سعی و خطا باقی نگذاشته است. طی سال‌های گذشته، مخارج اقتصاد با انکاف به درآمدهای نفتی افزایشی جهشی داشته در حالی که منابع آن به‌یکباره از کف رفته است. این تفاوت بزرگ، ابتدا خود را در بازار ارز نشان داد و نظام فسادآور چرخ‌دنده نرخ برابری را در محیط بی‌ثبات شکل‌گرفته ناشی از جهش‌های بزرگ نرخ ارز به وجود آورد. بازار انرژی نیز در شرایطی بسیار نامناسب به‌سر می‌برد و نیازمند اصلاحات در مقیاس بزرگ قیمتی است. بودجه دولت شرایطی بحرانی را تجربه می‌کند. حجم حقیقی بودجه به‌سرعت در حال کاهش است و متعاقب آن، کیفیت و کمیت خدمات دولت به ضعف می‌گراید. چگونگی مواجهه با این مشکل که خود را در کسری بزرگ بودجه نمایان ساخته، بر شرایط آینده اقتصاد کشور اثر تعیین‌کننده خواهد داشت. از سوی دیگر سیستم بانکی با عدم تعادل هشتاددهنده مواجه است که به‌وسیله خلق پول از طریق بانک مرکزی پوشانیده می‌شود. هزینه این عدم تعادل را عمدتاً خانوارهای کمرآمد از طریق تأثیرپذیری از تورم بالا می‌پردازند. مجموعه عدم‌تعادل‌ها در شرایطی به اوج خود رسیده‌است که از یک‌طرف فشارهای بین‌المللی بسیار سنگین شده و از طرف دیگر، هر روز به زمانی که خیل عظیم متولدان دهه ۶۰ وارد بازار کار شوند نزدیک‌تری می‌شویم. مدیریت عدم‌تعادل‌های بزرگ ذکر شده و حرکت در جهت رفع این عدم‌تعادل‌ها از طریق انتخاب درست «پولی» اصلاحات از یک‌طرف و «بعاد و درجه بزرگی» اصلاحات از طرف دیگر بسیار کلیدی است.

سوم سال آن است که چه سازمان یا نهاد و یا چه میزان از توانمندی و چگونگی خواهد توانست «مجموعه» این تحولات را مدیریت کند؟ با توجه به ارتباط ذاتی میان اجزای مختلف اقتصاد، انجام موفقیت‌آمیز تحولات ذکرشده نیازمند آن است که به «سیستم» اصلاحات پرداخته شود و نه به یک‌یک آنها به‌طور مجزا. اگر فرضیه‌ای را که نگارنده در مورد تأثیر چگونگی وضعیت منابع بر سبک مدیریتی رئیس دولت و از آن طریق بر جایگاه سازمان برنامه و بودجه مطرح کرد را بپذیریم، باید انتظار داشته باشیم که به سمت دوران ارتقای این جایگاه حرکت می‌کنیم. مجموعه شرایط جاری اقتصاد کشور اقتضا می‌کند که سازمان برنامه و بودجه به جایگاه قبلی خود بر گردد و برنامه‌ای واقع‌بینانه برای بازسازی آن تهیه شود. این بازسازی هرچند اجتناب‌ناپذیر، اما زمان‌بر خواهد بود، بنابراین می‌توان انتظار داشت که آثار ملموس ارتقای جایگاه سازمان، عمدتاً در سال‌های نیمه دوم دهه ۹۰ نمایان شود. زمانی که شاید برای عبور از بحران‌های میان‌مدت پیش‌رو، کمی دیر باشد! بنابراین به‌نظر می‌رسد لازم است، سازمان برنامه و بودجه، به‌عوامل ارتعاج اصلاحات درونی و بازسازی منابع انسانی خود، اقدام به تشکیل یک یا چند اتاق فکر (بر حسب نخله‌های مختلف فکری) کند و از آنان برای چگونگی مواجهه با مشکلات میان‌مدت کشور راحل مشخص و عملی بخواهد و در ادامه این مسیر، یک شورای مشورتی متشکل از تعدادی اقتصاددان و مدیران باتجربه که به وسیله رئیس‌جمهور انتخاب می‌شوند، مجموعه راحل‌های آرایه شده را بررسی کرده و به شورای اقتصاد پیشنهاد کنند. سازکار پیشنهادی ضمن آنکه می‌تواند موقتا به کمک سازمان برنامه و بودجه و نظام تصمیم‌گیری بیابید، موقعیت مناسبی را نیز برای همگرایی و نزدیک‌ترشدن دیدگاه‌ها به هم‌بوجود خواهد آورد و از سوی دیگر، عرصه‌های جدیدی را برای رشد اقتصاددان جوان فراهم خواهد کرد. مزیت دیگر این پیشنهاد آن است که سازمان برنامه و بودجه در شکل جدید نهایی خود، ارتباطی سازمان‌یافته با دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی خواهد داشت که دستاوردی بسیار ارزنده خواهد بود. به هر حال به‌نظر می‌رسد که دهه ۹۰ و به‌ویژه سال‌های میانی آن، برای اقتصاد ایران تعیین‌کننده خواهد بود. عمق و ابعاد مشکلات موجود و پیش‌رو، هیچ تناسبی با توان سازمان‌های رسمی مسوول حل این مشکلات ندارد. سایه شرایطی را که پشت سر گذشت‌هایم تا سالان دراز، اقتصاد و سیاست کشور را تحت تأثیر قرار خواهد داد. راحل‌های میان‌بر به صورتی که متضمن بهره‌گیری از همه ظرفیتهای فکری و تخصصی کشور باشد اجتناب‌ناپذیر است. ماشین سیاستگذاری را باید در حین حرکت تعمیر کرد.

❖ **استاد اقتصاد دانشگاه صنعتی شریف**

ادامه از صفحه ۹

سازمان برنامه‌ریزی نیازی بیش از همیشه

● ایجاد بی‌ثباتی اقتصادی و کاهش بسیار جدی افق برنامه‌ریزی برای کارگزاران بخش خصوصی با تغییرات مکرر و ناگهانی سیاست‌ها
ضرورت‌های برنامه‌ریزی در شرایط کنونی کشور
در دوره حاضر شرایطی وجود دارد که اهمیت و ضرورت برنامه‌ریزی را نسبت به گذشته به‌طور مضاعفی افزایش داده است و به‌تبع آن احیای نهاد برنامه‌ریزی اقدامی استراتژیک و ضروری برای اصلاح اقتصادی تلقی می‌شود. این موضوع خود نیازمند مجالی فراخ است اما با اجمال فهرستی از این الزامات آرایه می‌شود:
۱- روند پرشتاب جهانی‌شدن و در کنار آن شکل‌گیری هم‌گرایی‌های منطقه‌ای
۲- تهدیدها و فرصت‌های ناشی از شکل‌گیری اقتصاد مبتنی بر دانش و به‌کارگیری فناوری‌های نوین
۳- شکل‌گیری تجارب و دستاوردهای بزرگ برنامه‌ریزی در سطوح محلی و توسعه اجتماعی در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه
۴- افزایش نگران‌کننده شکاف‌های منطقه‌ای در سطح‌محلی و تشدید تغییرات نگران‌کننده‌تر در توزیع جغرافیایی منابع انسانی و مالی و افول سرمایه اجتماعی
۵- اعمال بی‌سابقه تحریم‌های صادراتی، مالی و سرمایه‌گذاری علیه ایران و کاهش بی‌سابقه منابع ارزی
۶- روندهای جایگزین انرژی‌های فسیلی با انرژی‌های نو و کاهش توان صادرات نفت و گاز ایران در آینده نه‌چندان دور
به‌طورخلاصه باید گفت سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی به عنوان سازمانی که وظیفه هماهنگی امور و نظارت بر عملکردهای اقتصادی، اجتماعی، فنی و اداری جامعه در هر دو بخش دولتی و خصوصی را بر عهده دارد، حتی اگر این سازمان وظیفه‌ای در برنامه‌ریزی توسعه هم نداشت و فقط به تخصیص منابع عظیم مالی حاصل از فروش نفت و گاز محدود می‌شد، توجه به تقویت و توانمندی این سازمان یک وظیفه مهم و حیاتی به شمار می‌رفت. اینک کشور ما در دستیابی به توسعه‌ملی با چالشی بزرگ و بسیار مهم مواجه است. از یک طرف، الزاماتی وجود دارد که ضرورت احیای نظام برنامه‌ریزی را بیش از هر زمان دیگری یادآوری می‌کند و به عنوان مهم‌ترین اقدام اصلاحی در سیاستگذاری اقتصادی – اجتماعی به شمار می‌رود و از طرف دیگر، در شرایطی به‌سر می‌یریم که نهاد برنامه‌ریزی در بدترین روزهای خود در ۶۰سال گذشته به‌سر می‌برد، این چالش به نظر می‌رسد برای دولت‌های آینده هم موضوع مهمی است که باید با تدبیر و عقایدی‌تبی تمام برای آن چاره‌اندیشی کنند.

برهمن – نویسنده تحلیلی فرانسه ۹– علف گربه را گویند

بار درخت ۱۰– دیوار اتاق – ذره باردار – استان غربی
۱۱– شنیدن – بطن – مهم‌ترین قسمت نوشته – برهنه، عریان
۱۲– لقب امام نهم (ع) – فهرست غذا – بدیختی
۱۳– نیم صدای الاغ – خواب شیرین – امر به یاقتن
– واحد فروش گردو ۱۴– قرقره‌ای که به دور آن سیم روکش‌دار پیچیده و از آن جریان عبور می‌دهند – بندر
اکراین – حق‌گردن کلفتی سازمان امنیت ۱۵– پشت و عقب – فیلم خیالی – یکی از بروج فلکی

برهمن – نویسنده تحلیلی فرانسه ۹– علف گربه را گویند

۱– درخت کریسمس – آغاز شده – نام رودی در گلیابگان
۲– فرشته عدالت – فئات – نامی به معنی آراسته
۳– میوه تابستانی – همراه ناز – حلال شرعی – الگوی اروپایی
۴– رسوا و بی‌آبرو – باز لاتین – امر به آمدن
۵– تگوش – سرپرست – پستانداری درنده و گوشتخوار
– پیروی کردن
۶– بی‌دین – اسطوره فوتبال برزیلی – زود نیست
۷– نزاری که از مغتول‌های نازک فلزی می‌بافند – استان کرمانشاه
۸– مخفف لیکن – وقت معین – همنشین

سودوکو یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عدد‌های بی تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

سودوکو ۵ ۸ ۱ ۳ ۶ ۲ ۷ ۴ ۹

حل سودوکو سخت ۲ ۷ ۹ ۴ ۱ ۳ ۵ ۸ ۶

سودوکو ۵ ۸ ۱ ۳ ۶ ۲ ۷ ۴ ۹

حل سودوکو ۲ ۷ ۹ ۴ ۱ ۳ ۵ ۸ ۶

سودوکو ۵ ۸ ۱ ۳ ۶ ۲ ۷ ۴ ۹

حل سودوکو ۲ ۷ ۹ ۴ ۱ ۳ ۵ ۸ ۶

سودوکو ۵ ۸ ۱ ۳ ۶ ۲ ۷ ۴ ۹

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱– در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.
۲– در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

۸	۲	۱	۵	۴	۳	۶	۷	۹
۹	۶	۷	۵	۳	۸	۲	۱	۴
۱	۷	۹	۲	۸	۴	۳	۶	۵
۲	۴	۳	۶	۱	۵	۷	۹	۸
۳	۵	۸	۹	۷	۲	۱	۴	۶
۴	۸	۶	۳	۷	۹	۵	۱	۲
۵	۱	۳	۷	۲	۹	۴	۸	۶
۶	۲	۴	۱	۹	۳	۷	۵	۸
۷	۹	۵	۸	۴	۶	۳	۱	۲

سودوکو سخت ۳۹۳

حل سودوکو سخت

سودوکو ۵ ۸ ۱ ۳ ۶ ۲ ۷ ۴ ۹

حل سودوکو ۲ ۷ ۹ ۴ ۱ ۳ ۵ ۸ ۶

سودوکو ۵ ۸ ۱ ۳ ۶ ۲ ۷ ۴ ۹

حل سودوکو ۲ ۷ ۹ ۴ ۱ ۳ ۵ ۸ ۶

سودوکو ۵ ۸ ۱ ۳ ۶ ۲ ۷ ۴ ۹

حل سودوکو ۲ ۷ ۹ ۴ ۱ ۳ ۵ ۸ ۶

سودوکو ۵ ۸ ۱ ۳ ۶ ۲ ۷ ۴ ۹

حل سودوکو ۲ ۷ ۹ ۴ ۱ ۳ ۵ ۸ ۶

سودوکو ۵ ۸ ۱ ۳ ۶ ۲ ۷ ۴ ۹

سودوکو ۵ ۸ ۱ ۳ ۶ ۲ ۷ ۴ ۹

حل سودوکو ۲ ۷ ۹ ۴ ۱ ۳ ۵ ۸ ۶

سودوکو ۵ ۸ ۱ ۳ ۶ ۲ ۷ ۴ ۹

حل سودوکو ۲ ۷ ۹ ۴ ۱ ۳ ۵ ۸ ۶

سودوکو ۵ ۸ ۱ ۳ ۶ ۲ ۷ ۴ ۹

حل سودوکو ۲ ۷ ۹ ۴ ۱ ۳ ۵ ۸ ۶

سودوکو ۵ ۸ ۱ ۳ ۶ ۲ ۷ ۴ ۹